روزنه

معاون‌اول رئیس‌جمهور در مجمع نمایندگان استان مطرح کرد

قول مساعد برای حل مشکلات کردستان

● **ایسنا:** اسحاق جهانگیری روز گذشته در دیدار با مجمع نمایندگان استان کردستان، با اشاره به اینکه استان‌های مرزی کشور با وجود محدودیت‌های جدی، دارای ظرفیت‌های بسیاری برای توسعه هستند، گفت: «برنامه دولت، توسعه متوازن، هماهنگ و جامع کشور است و باید با برنامه‌ریزی و تلاش، مشکلات مردم را در مناطق مرزی مانند کردستان برطرف کنیم».

اسحاق جهانگیری با اشاره به سوابق تاریخی و نقش‌آفرینی کردستان در صیانت از مرزهای کشور و حضور معنادار در عرصه‌های مختلف مانند انتخابات ریاست‌جمهوری، عنوان کرد: «مردم استان کردستان حق بزرگی بر گردن ایران دارند و با وجود همه مشکلات، حضوری گسترده، آگاهانه و معنادار پای صندوق‌های رأی داشتند که این موضوع عظمت مردم کردستان را نشان می‌دهد».

او ضمن تشکر از مشارکت همه‌جانبه و اعتماد بالای استان کردستان به دکتر روحانی برای ادامه مسیر، گفت: «امیدوارم مسائل این استان مانند ایجاد راه‌های روستایی و توسعه صنعتی و کشاورزی، در چارچوب اجرای سند توسعه کردستان هرچه سریع‌تر مرتفع شود».معاون‌اول رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه زیبنده جمهوری اسلامی نیست که پس از گذشت نزدیک به ۴۰ سال از عمر انقلاب، هنوز محرومیت در بخش‌هایی از کشور وجود داشته باشد، افزود: «به عنوان معاون‌اول رئیس‌جمهور پیگیر رفع موانع توسعه استان بر اساس سند توسعه کردستان خواهم بود تا مردم شریف این استان شاهد اتفاقات خوبی در آینده باشند».جهانگیری با بیان اینکه تمام قول‌هایی که در سفر رئیس‌جمهور به استان داده شده، محقق خواهد شد، گفت: «نباید مسائل قومی، سیاسی و مذهبی، مانعی بر سر حل مشکلات کشور و نیازهای مردم باشد».معاون‌اول رئیس‌جمهور ایجاد زیرساخت‌هایی مانند تکمیل راه‌آهن تهران- همدان - سنندج را وظیفه دولت دانست و گفت: «با خرید هواپیماهای جدید، تعداد پروازها به مرکز استان افزایش خواهد یافت».جهانگیری با بیان اینکه داشتن مرز مشترک با کشور همسایه می‌تواند به کانون خوبی برای توسعه استان تبدیل شود، عنوان کرد: «دولت امیدوار است با تصویب منطقه آزاد بانه و مریوان در مجلس شورای اسلامی، بخشی از مسائل مرزی در کردستان حل‌وفصل شود».وی سپس به موضوع کولبری در استان اشاره کرد و با ابراز تأسف از رواج این شغل طاقت‌فرسا به دلیل مشکلات معیشتی، اظهار کرد: دیدن تصاویر مردم منطقه که برای امرار معاش از طریق کولبری بارهای سنگین و حجیمی را بر دوش حمل می‌کنند، دردآور است و باید برای کمک به آنها چاره‌ای اندیشیده شود.جهانگیری با تأکید بر اینکه استاندار و نمایندگان مجلس باید برای ساماندهی و حل‌وفصل این موضوع طرح‌هایی نظیر ایجاد بازارچه‌های مرزی را ارائه کنند، گفت: دولت برای حل این مسئله از ایده‌ها و طرح‌های جایگزین و حتی کمک مادی به منظور برطرف‌کردن نیازهای این قشر از جامعه، حمایت می‌کند تا کولبری به عنوان یک شغل از حیات اجتماعی کردستان رخت بربندد.

ادامه از صفحه ۴

کارچاق‌کن‌های ۴۴ میلیارد تومانی

اما به‌مرور که جامعه مدنی درست شد، انتظار بر این شد که مردم بخشی از آزادی‌شان را از دست بدهند برای اینکه باید به حقوق دیگران احترام بگذارند و این حقوق را به یک نظام حقوقی و قضائی سالم واگذار می‌کنند که آن نظام حقوقی عادلانه موضوع‌ها را بررسی کند. سه رکن اساسی جامعه مدنی، یکی آزادی فردی است؛ یکی حکومت قانون است و دیگری امنیت قضائی. خب روشن است که امنیت قضائی، یعنی نبودن فساد و نبودن این‌گونه روابط. به گفته این استاد اقتصاد، به‌هرروی در جوامعی که شفافیت لازم وجود نداشته باشد یا دوران تخصصی خودشان را نگذرانده باشند و موضوعات در جامعه به شکلی بسیار محرمانه بررسی می‌شود، این امکان وجود دارد که برخی از نبود قانون، نبودن امنیت قضائی و نبود شفافیت سوءاستفاده کنند و اقدام‌های این‌چنینی رخ دهد. هرچند انتظار بر این است که به‌مرور نظارت‌های دقیق‌تری بر دستگاه‌های مختلف انجام شود تا از این‌گونه کارچاق‌کنی و رشوه‌دهی پیش‌گیری شود.

یوسفی توضیح می‌دهد: این آمار تکان‌دهنده، مجموعا ضعف قانون و ضعف نظام اداری کشور است. به‌هرروی برخی از صاحب‌نظران معتقدند در برخی نظام‌هایی که قانون به‌خوبی کار نمی‌کند، اینها نوعی روان‌کننده چرخ فعالیت‌ها هستند. هرچند به گمان من این صحت ندارد؛ چراکه اگر با پرداخت رشوه و کارچاق‌کنی مشکلات را حل کنیم، در عمل به افراد فاسد فرصت می‌دهیم که قوانین را اجرا نکنند و انتظار اخذ رشوه داشته باشد. اینها مصداق فساد است.

این اقتصاددان تأکید می‌کند: موضوع کارچاق‌کنی در همه بخش‌ها از خصوصی گرفته تا دولتی و... همه بخش‌ها را دربر می‌گیرد. مسئله اینجاست که دستگاه قضا باید از این فرایند ایمن باشد.

متهم ردیف دوم: من کارگزار بودم، یقه زنجانی را بگیرید

ادامه از صفحه ۳

● **«م.ش»:** نه نفت تحویل گرفته‌ام، نه فروخته‌ام و نه پولی تحویل گرفته‌ام.

● **قاضی:** بعید می‌دانم توبه کنید و این نظام به حق را در بازگرداندن اموال بیت‌المال یاری کنید. اگر شما و فلاح نبودید، بابک زنجانی همان ارزفروش در بازار و ورشکسته‌ای بود که آه نداشت.

● **«م.ش»:** مسئول صیانت از اموال مردم چه کسانی هستند؟

● **قاضی:** شما آنان را گمراه کردید.

● **«م.ش»:** به نظر خودم در آن زمان به نظام خدمت کردم.

● **قاضی:** شما بابک زنجانی را به «ج» معرفی کرده‌اید.

● **«م.ش»:** نه او خود با وزیر نفت سابقه دوستی داشته و قاسمی گفته او را از زمان قرارگاه خاتم می‌شناخت.

● نماینده دادستان با استناد به اظهارات «ج» در جلسه بازجویی: «ج» گفته است شمس، بابک را فردی فعال و باهوش معرفی کرد که شبکه بانکی و بانک ملت را طراحی کرده و با شرکت نفت هم کار می‌کند و ارتباطات خوبی در خارج از کشور برای رفع مشکلات شرکت نفت دارد.

● **«م.ش»:** موضوع شرکت نیکو و ۳۰۰ میلیون دلار قبل از همه این موارد مطرح شد و شخص بابک زنجانی در تاریخ ۲۶ فروردین سال ۹۱ در لوزان سوئیس، با این شرکت برای جابه‌جایی یک‌سری قرارداد امضا کرده است و قرار شد پول‌ها به حساب نیکو نزد بانک اف‌آی‌آی‌بی بابک زنجانی در مالزی واریز شود.

● **قاضی:** درست نیست. شما و فلاح به گونه‌ای با وزرا در ارتباط بوده‌اید.

● **«م.ش»:** رابطه من با وزرا چه بود؟

● **قاضی:** بابک را کسی نمی‌شناخت.

● **«م.ش»:** اگر قرار به رانت‌گرفتن بود، برای خودم می‌گرفتم.

● **قاضی:** امکان ندارد یک نفر این همه پول ملت را ببرد. این یک کار شبکه‌ای بسیار قوی است که شما سه نفر اعضای اصلی آن هستید و اعضای دیگری نیز وجود دارند.

● **«م.ش»:** مسئولان حافظان صیانت از بیت‌المال هستند؛ به دلیل تحریم نمی‌توانستند بشکه‌ای نفت جابه‌جا کنند که آقایان تصمیم گرفتند نفت را به زنجانی بدهند و خود او با بانک ملت شریک بود؛ اگر یک جلسه با وزیر نفت رفتم، بیایید گردن من را بزنید. مقیم لندن بودم و همه ورود و خروج من به کشور مشخص است. در پنج سال دولت احمدی‌نژاد ایران نبودم؛ نه با مالزی کاری داشتم نه با بانک اف‌ای‌آی‌بی. بحث نفت بحث کارگزاری بود و من تنها یک لجستیک بودم.

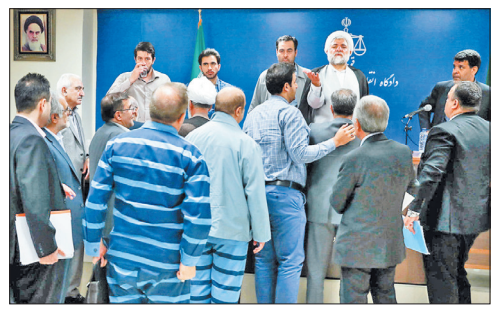

● **قاضی:** کارگزاری را چه کردی؟ چقدر نفت گرفتی؟

● **«م.ش»:** برای گرفتن نفت دو مکانیسم بانکی و حمل‌ونقل وجود دارد که من مکانیسم حمل‌ونقل بوده‌ام و از کارهای بانکی خبری نداشتم. این را که ال‌سی صادرشده جعلی بوده است، نمی‌دانستم. همه اینها را بابک زنجانی و خانم «م» انجام داده‌اند. محموله را به مالزی تحویل داده و رسید گرفتم.

● **قاضی:** نفت را چه کسانی در مالزی تحویل گرفته‌اند؟

● **«م.ش»:** زنجانی مقداری را به «ع»، مقداری را به خانو یو و ۴۰۰ هزار بشکه نفت را به خود شرکت فال تحویل داد.

● **قاضی:** مگر «ع.زم» نگفت اینجا نفت فروش ندارد آن را برگردان؟

● **«م.ش»:** نه، «م» به زنجانی و زنجانی به من گفت که من هم آن را به فال تحویل دادم؛ همه پول‌ها از طریق شرکت فال به شرکت‌های زیرمجموعه زنجانی ریخته شد. هیچ پولی تحویل من داده نشد.

● **قاضی:** شما می‌دانستید فال ورشکسته است، اما در ذهن مسئولان نظام جا انداختید که فال چنین‌وچنان است.

● **«م.ش»:** همان‌موقع شرکت نفت با فال کار می‌کرد و الان هم با این شرکت کار می‌کند.

● **قاضی:** چرا آن زمان نگفتید حمل نفت به فال خیانت است.

● **«م.ش»:** من ایمیل زدم و گفتم.

● **قاضی:** شما خواستید تحریم را رد کنید، اما در چاه افتادید.

● **«م.ش»:** اگر این شرکت اعتبار ندارد وزارت نفت چرا به او کار می‌دهد؟ مرتبا به معاون وزیر اطلاعات گزارش دادم.

● **قاضی:** یعنی شما به وزارت اطلاعات نوشتید این شرکتی که به او قرار است محموله نفتی داده شود، خائن است؟

● **«م.ش»:** آن‌موقع که دزدی کردند نامه نوشتم.

● **غلامرضا مهدوی، وکیل شرکت نفت:** فال قبلا از وزارت نفت خریداری می‌کرد، اما زمانی که شمس این شرکت را به زنجانی معرفی کرد، وزارت نفت گفت این شرکت ورشکسته است و سراغ آن نروید، اما آنان با ال‌سی غیرواقعی از طریق اس‌سی‌تی بنکرز کیش سر شرکت نفت کلاه گذاشتند.

● **«م.ش»:** بنده به‌عنوان یک کارگزار به بابک زنجانی نامه نوشتم و به او گفتم که آقایان نفت نگران پول‌هایشان هستند و هرچه‌زودتر پول‌های آنان را پرداخت کن که او در پاسخ گفت جنابعالی دخالت نکن.

● **وکیل «م.ش»:** شبهه‌ای وجود دارد مبنی‌بر اینکه آیا از مسئولان امر استعلام شده است یا نه که طبق نامه برج ۴ سال ۹۱، استعلامی از سوی وزیر نفت از وزیر اطلاعات انجام می‌شود و وزارت اطلاعات در برج پنج همان سال نسبت به فروش نفت به بابک زنجانی اعلام نگرانی می‌کند، اما با همه این اوصاف نفت به او فروخته می‌شود.

● **قاضی:** آن‌گونه بابک را به‌غلط بین مسئولان جا انداختید که نامه وزارت اطلاعات را نادیده گرفتند.

● **«م.ش»:** شما ما را باند مخوف می‌دانید.

● قاضی مقیسه سپس پایان جلسه را اعلام و ادامه جلسه رسیدگی به این پرونده را امروز اعلام کرد.

ترامپ و گسست پیوند دیرینه آمریکا و اروپا

ادامه از صفحه اول

ترامپ البته نزد کمپانی‌های اسلحه جنگ‌طلب! و شرکت‌های نفتی، به‌ویژه با تعهدات کلان و «خوش‌رقصی‌های» (اشتباه نشود، منظور رقص شمشیر است!) حکام سعودی و... کماکان مطلوبیت دارد!

در صحنه آمریکا، پیروزی ترامپ با شکلی از ناباوری همراه شد. گفته شد «مردم با تحلیلی غلط از خود انتقام گرفتند»! رفتار و گفتارهای سخیف و عملکردهای خام، پرتناقض و عقبگردهای احساسی او، از جمله در حکم «ممنوعیت روادید اتباع شش کشور» از جمله ایران، اعتراضات زودهنگام و گسترده‌ای را موجب شد. از قضا، حضور روشنفکران و نیز پاره‌ای از مالکان شرکت بزرگ پساصنعتی برشمرده که به اعتبار تحلیل‌های معتبر، نه‌تنها اکنون که «آینده» را نمایندگی می‌کنند، در خیل معترضان نمایش معناداری را حکایت می‌کرد. ۱- تکرار مقاومت‌های پاره‌ای از قضات نامدار و نیز فرمانداران بعضی از ایالات و... در برابر تصمیمات عمدتا فردی ترامپ که در همین چند ماه، نه استثنا که جلوه‌ای از قاعده را «ساز» کرده است. افشاگری‌های صورت‌گرفته درباره ارتباطات غیرمتعارف همکاران، نزدیکان و شخص او با روس‌ها و استعفای اجباری پیاپی منتخبان وی و به‌ویژه مسئله تحقیرآمیز دخالت روس‌ها در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری، دولت و همکاران به‌شدت ناهماهنگ، مخالفت‌های خارجی رو به رشد در برابر برنامه‌ها و عقب‌نشینی‌های او از پیمان‌ها و تعهدات دولت‌های قبلی آمریکا، «مقبولیت» و «محبوبیت»! نازل و بی‌سابقه ترامپ نزد افکار عمومی و... بر مبنای گزارش‌های منتشرشده، ندامت آشکار مردم از «کوتاهی‌های خود در انتخابات اخیر» و...، در مجموع و در ترکیب با هم، دلالت بر شرایط ناپایداری دارد.

باور بر آن است که شخصیت ترامپ، همین است؛ بنابراین آن‌گونه که در همین چند روزه نیز شاهد بوده‌ایم، رفتارهای نامتعادل، مواضع پرتناقض و سخنان، داعیه‌ها و استدلال‌های عاری از منطق و...، همچنان ادامه خواهند یافت و در مقابل، اعتراضات نیز (به‌ویژه با ریختن حریم‌های عرفی نسبت به رئیس‌جمهور در رسانه‌ها و فضای عمومی) با قوت و ضعف‌هایی تداوم می‌یابد. ترامپ در فقدان پایبندی لازم به اصولی در اخلاق، سیاست و...، تاکنون ناگزیر به عقب‌نشینی‌های متعددی بوده است و بالطبع مخالفان خواهند کوشید آن را به یک «عادت» تبدیل کنند! این امکان وجود دارد که در «تکانه‌ای»، با اوج‌گیری مقاومت‌ها و در نتیجه، ترکیب و اجتماع فعالان «جنبش وال‌استریت»، جنبش ضدجنگ، سبزها و...، تظاهرات ابعاد گسترده‌ای یابد؛ به‌گونه‌ای که کنترل اوضاع چندان آسان نباشد! از سویی دیگر، شاید دولت ترامپ در شرایطی این‌چنین، بر اساس قاعده ابن‌جماعت! با وسوسه‌های عناصری جنگ‌طلب، خلاصی یا کمینه، «خرید زمان» را در سازوکار ناشی از «جنگی محدود» جست‌وجو کند؛ «چاره‌ای» خشن، ویرانگر و... با نتایجی نامعین و نامطمئن!

اما در صحنه جهانی، داستان دیگری جاری است

در روند مبارزات انتخاباتی، پاره‌ای از سخنان ترامپ، «امیدهایی» را در بین فعالان راست در اروپا و جهان به وجود آورد؛ بنابراین پیروزی غیرمنتظره او، با استقبال فعالان و احزاب یادشده روبه‌رو شد. در آغاز، آن بخش از مواضع او مانند «توجه به داخل» و اینکه «آمریکا نمی‌تواند مسئولیت مخارج حفظ امنیت کشورها را بپذیرد و آنان باید تأمین این هزینه را متقبل شوند»، شوری در مقامات کشورهای روسیه، ژاپن و... ایجاد کرد. روس‌ها، خرسند از این انتخابات (که بعدا گفته شد سهمی نیز در آن داشته‌اند!) به این نتیجه رسیدند که بسیاری از آمال آنان، در اوکراین، شرق اروپا و... تحقق یافته و بنابراین دنیای جدیدی را برابر خود تصور می‌کردند! نخست‌وزیر ژاپن که از قرار رفع ممنوعیت تحمیل‌شده در جنگ جهانی دوم را بر ارتش آن کشور، در سر می‌پروراند، شتاب‌زده خود را به ترامپ رساند (حتی پیش از ورود او به کاخ سفید!) و... . تحرکات مشابهی که در پاره‌ای کشورهای نفتی خاورمیانه و شاید کره بتوان به آن توجه کرد.

در اروپا که این یادداشت بیشتر بر آن متمرکز است، در سال‌های اخیر به دلایل گوناگون، ازجمله جریان مهاجرت‌های گسترده از آفریقا، آسیا و به‌ویژه سیل مهاجران اخیر سوری، اقدامات تروریستی متعدد و... در کنار نابسامانی‌های اقتصادی نفس‌گیر! گرایش‌های راست و ناسیونالیستی گاه افراطی با اقبال زیادی مواجه شدند و احزاب راست به صورتی بی‌سابقه، کرسی‌های بیشتری از پارلمان‌ها را به دست آوردند و در شرق و غرب اروپا برای دراختیارگرفتن دولت‌ها امیدوار شدند. برآمدن ترامپ در آمریکا، مانند یک موهبت، این جریان را به‌شدت تقویت کرد.

به‌زودی، تحولات بعدی آمریکا و مواضع نامتعادل، سخنان نااستوار و رفتارهای نامتعارف ترامپ، پیمان‌شکنی‌های او و نیز مقاومت‌های شکل‌گرفته در ایالات متحده، واکنش‌های اروپا را موجب شد؛ جریانی که کم‌وبیش، افول نسبی احزاب راست را رقم زد. در نخستین گام، خانم «ترزا می»، نخست‌وزیر بریتانیا که با خروج انگلیس از اتحاد اروپا، سکان‌دار آن کشور شده بود و مأموریت سنگین «برگزیت» را بر عهده داشت، در دامنه استراتژی سنتی انگلیس در همراهی با آمریکا، برای بهره‌گیری از سیاست‌های جدید آمریکا در سطوح کلان و به‌ویژه در برگزیت (که آشکارا در چارچوب سیاست‌های دولت جدید آمریکا تلقی می‌شد)، با امیدهایی بسیار روانه آمریکا شد؛ اما سفر او تحول نوینی را به همراه نداشت و حتی ناگزیر شد در لندن بخشی از سخنان خود را در آن سوی آب‌ها، تکذیب کند! خانم گرفتار در سامان برگزیت، با ترامپ نه‌تنها قوت بیشتری نیافت که تضعیف شد؛ به گونه‌ای که در انتخابات زودهنگام - که ابتکار دولتش بود- حزبش بسیاری از کرسی‌های خود را ناباورانه از دست داد! گمان بر آن است که این روند همچنان ادامه پیدا کند. می‌توان تصور کرد تحت شرایطی این‌چنین، اگر مثلا برگزیت به آرای عمومی سپرده می‌شد، آن خروج متزلزل از سوی مردم پذیرفته نمی‌شد! و سخن آنکه ترامپ در این نتیجه سهم داشت.

فرانسه همان‌گونه که ذکر شد، از زمان دوگل، مشی مستقلی در برابر آمریکا اتخاذ کرد. این استراتژی در زمان ریاست‌جمهوری «سارکوزی» و در نتیجه تمایلات او، ضعیف‌ترین دوره خود را سپری کرد. در جریان انتخابات اخیر در آن کشور، پیروزی ترامپ، شعف زیادی را در احزاب راست موجب شد؛ اما با اوج‌گیری فرایند مبارزات انتخاباتی و هم‌سازی احزاب متعدد و بسیج افکار عمومی و نیز در سایه تحولات بعدی آمریکا و نامناسبات دولت ترامپ، مکرون، جوان پیروز میدان شد. مواضع رئیس‌جمهور جدید و دولتمردان فرانسوی، تأکید مجددی بر اروپا و فاصله‌گیری از سیاست‌های دولت کنونی آمریکا دارد و کم‌توجهی مکرون به ترامپ در گردهمایی سران و اقبال مردم نسبت به آن، ازجمله نشانه‌های آن است. و مثال دیگر، شرط غیردیپلماتیک و بی‌معنای اخیر ترامپ برای حضور در روز ملی فرانسه «سوار بر خودروی نظامی»! دلیلی دیگر بر عدم کفایت سیاسی او در فهم درست موقعیت، رد قاطع آن از سوی فرانسه، تحقیر آمریکا و استدلال و تأکید مکرون بر «سنت‌های فرانسه» در این مخالفت و بازتاب مثبت آن در رسانه‌های آن کشور، نشانه آشکار دیگری است که از چرخش اوضاع حکایت می‌کند! رفتار و مواضع نا متعارف احتمالی و بلکه قابل پیش‌بینی ترامپ در آینده! این مشی را تقویت خواهد کرد.

آلمان شکست خورده در جنگ دوم، براساس محدودیت‌های تحمیل شده، ویژگی‌های متفاوتی داشت. محافظه‌کاری خاص، ظاهرا خصلت سیاست در آلمان شده بود. خانم «مرکل»، صدراعظم که در چندین دوره پیاپی، او و حزبش بر آلمان حکم رانده‌اند، با پذیرش بیشترین سهم از مهاجران در سال‌های اخیر، از سوی محافلی اندکی، تحسین و از سوی بسیاری، به گستردگی در داخل و خارج، مورد انتقاد و اعتراض قرار گرفت. او در اولین فرصت برای ملاقات و مذاکره با ترامپ عازم آمریکا شد. ترامپ که به تکرار بر صادرات حجیم آلمان به آمریکا، تاخته بود و به صورت علنی با انتقاد، از آلمان خواسته بود، سهم بسیار بیشتری از هزینه‌های ناتو و... را برعهده گیرد، برخوردی نه‌چندان متعارف و اگر نه تحقیرآمیز، با او داشت. با این وصف خانم مرکل نیز با دستانی خالی به میهن بازگشت. در مقام پاسخ‌گویی تندی‌های ترامپ در ماه اخیر، نخست آقای «گابریل»، معاون صدراعظم، باب اعتراض به سیاست‌های جدید آمریکا را گشود و سپس خانم مرکل در چند فرصت پیاپی، مواضع ترامپ را مورد نقد جدی قرار داد و بر لزوم تقویت جامعه اروپا، حفاظت از پیمان‌ها و معاهدات مصوب جامعه جهانی و مشی مستقل اروپا و آلمان به‌عنوان یک ضرورت، تأکید کرد. واقعیت آن است که این برخوردها در سیاست آلمان پس از جنگ، کمتر دیده شده است و به نظر می‌رسد باید آن را نشانه‌هایی از مواضع جدید این کشور نسبت به آمریکا تلقی کرد. دور از ذهن نیست اگر تداوم تهدیدات و برخوردهای احتمالی آمریکا، فرصتی طلایی برای بازنگری و هویت‌یابی! در آلمان خلق کند! شایان توجه آنکه در فروپاشی شوروی و شکسته‌شدن بلوک شرق که آشکارترین نمایش آن شکسته‌شدن دیوار برلین از سوی مردم بود، پاره‌ای از محافل و به‌صورت مشخص، «مارگارت تاچر»، نخست‌وزیر وقت انگلیس و «هنری کیسینجر»، با یادآوری نقش آلمان در جنگ اول و دوم جهانی و طرح بیم‌های محتمل برای تکرار آن فجایع، به جد با یکپارچگی آلمان و قدرت‌گیری مجدد آن مخالفت کردند. حال ترامپ، با مواضع خود عملا، برای این برآمدن، زمینه فراهم می‌کند!

در بسیاری از کشورهای شرق اروپا نیز، احزاب راست و گرایش‌های ناسیونالیستی، در سال‌های اخیر، اقبال بیشتری یافته و کرسی‌های بیشتری را در پارلمان‌ها در اختیار گرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که گاه در جایگاه تصاحب دولت قرار گرفتند. مخالفت آشکار با جریان مهاجران آفریقایی و آسیا و به‌ویژه سیل مهاجران سوری گریخته از جنگ، ویژگی کنونی این جوامع بود و احزاب یاد شده، بر خواست فوق به تأکید، دامن می‌زدند. توفیق نامزد حزب جمهوری‌خواه آمریکا (با ویژگی‌ها و سوابق مطلوب‌تر همکاری با احزاب راستگرا) در عبور از رقبا، در شرق اروپا با علاقه‌مندی پی گرفته می‌شد و چیرگی ترامپ شالوده‌شکن در انتخابات، اعتمادبه‌نفس جدیدی در این تحرکات ایجاد کرد، موضوعی که به سهم خود به بسط بدنه و تکثیر آرای احزاب فوق سرعت بخشید. سخنان سست و مواضع ماجراجویانه و گاه نابخردانه ترامپ اما از یک سو و مخالفت‌ها و اعتراضات زودهنگام و تعیین‌کننده صاحب‌نظران و مردم و رسانه‌ها در آمریکا و... از سویی دیگر، در این اقبال خلل ایجاد کرد و در ادامه، افول آن را رقم زد.

از زاویه‌ای دیگر، مسئله روسیه در شرق اروپا، به دلیل نیم‌قرن سلطه، با هراسی انکارناپذیر و نفرتی مشهود آمیخته است، افشای پرسروصدا و دامنه‌دار دخالت روسیه در انتخابات و ارتباط ترامپ، نزدیکان و همکاران با مقامات آن کشور، نمی‌توانست در جوامع فوق با بی‌تفاوتی همراه شود. افزون برآن، تمایلات و سخنان توهم‌آمیز ترامپ درباره «نزدیکی با روسیه برای مبارزه و کنترل چین»! و داعیه‌هایی از این قبیل، منطقا بر قوت تردیدها افزود و آن‌گونه که مشاهده شد، با ایجاد «دلزدگی» در آن جوامع، موقعیت و جایگاه و موقعیت اجتماعی گرایش‌های راست را تضعیف کرد، روندی که منطقا می‌تواند تداوم یابد.

این، مرور را می‌توان به صورت خاص در لهستان، بلغارستان، چک و... در شرق و اتریش و... در غرب نیز پی گرفت اما مراد در این یادداشت، طرح اجمالی نقش ویرانگر دولت ترامپ در دگرگون‌کردن سابقه دیرینه همکاری‌های متنوع آمریکا و اروپای غربی و سابقه بیش از دو دهه سرمایه‌گذاری و همسازی برای «گذار» کشورهای شرق اروپاست.

نکته شایان توجه جدید در این مبحث، مصوبه اخیر سنای آمریکا در اعمال تحریم‌های وسیع بر ایران و بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر بر روسیه است. هرچند مصوبه پیچیده فوق برای تبدیل‌شدن به قانونی محتمل (که کمینه با این ساخت، تردیدهای زیادی برای انجام آن وجود دارد) راه ناهمواری را در پیش دارد و اگرچه، نشانه‌هایی از تاکتیک دموکرات‌ها در برابر تمایلات روسی دولت ترامپ و... را دارد اما ازآن‌رو که سلایق قانون‌گذاران آمریکا را در مناسبات جهانی آشکار می‌کند، در این مرحله نیز برافروختگی روس‌ها و اعتراض شدید اروپا را موجب شده است. اجرائی‌شدن احتمالی مصوبه‌ای این‌چنین، با مخدوش‌کردن پاره‌ای از سرمایه‌گذاری‌های مشترک کشورهای اروپایی و روسیه، در نخستین گام، روابط روسیه و اروپا را به‌صورت اساسی مختل و در مرحله بعد، زندگی روزمره جوامع اروپایی را با دشواری‌های «نفس‌گیر» همراه خواهد کرد! با این وصف، اگرچه بررسی این مصوبه در جزئیات و ظرایف، ضرورت خود را دارد اما در این یادداشت، در گذری سریع، صرفا به یک موضوع مرتبط مهم، اشاره می‌شود.

زندگی جاری در اروپا به‌گونه‌ای مشهود، به خطوط گسترده لوله و جریان گاز روسیه وابسته است و هر طرحی برای محدودسازی آن، باید با ارائه چاره‌ای منطقی و قابل اتکا همراه باشد. براساس گزارش «مرکز جهانی مطالعات انرژی»، در سال‌های پیش، «فنلاند، صربستان و بلغارستان صد درصد، یونان و اسلواکی ۸۰ درصد، اتریش ۷۷ درصد، رومانی و چک ۷۰ درصد، آلمان ۴۱ درصد، ایتالیا ۳۵ درصد و فرانسه ۳۰ درصد، از گاز مورد نیاز خود را از روسیه تأمین می‌کنند»! با این وابستگی، کشورهای اروپایی چگونه قادر خواهند بود، بدون منابع جایگزین مشخص، با محدودسازی‌های مورد درخواست و جریان تحریم‌های فراگیر فوق هماهنگ شوند!؟ و این همان استدلالی است که انتقاد جدی کشورهای اروپایی و به صورت خاص، اعتراض خانم مرکل، صدر اعظم آلمان نسبت به خواست‌های یک‌جانبه و بی‌توجهی آشکار مقامات آمریکایی به منافع کشورهای اروپایی را موجب شده است.

واقعیت آن است که دولت ترامپ چهره‌ای متفاوت از آمریکا را در درون و در سطح جهانی به نمایش گذاشته است و تصور بر آن است که در صورت تداوم و تعمیق این فرایند معیوب و به‌ویژه بی‌توجهی آشکار به تبعات ویرانگر آن بر پیوند دیرینه و سرمایه‌گذاری‌های کلان و دیرپای اقتصادی، سیاسی، نظامی، امنیتی و... فرهنگی صورت گرفته، روابطی دگرگون بین آمریکا و اروپا را شاهد خواهیم بود. مسئله آن است که سردی کنونی و ابهام در روابط، ابعاد کم‌سابقه‌ای یافته و اعتراضات «رنگی» جدید به خود گرفته است. تصور بر آن است که با فرض بسط این فضا که عمدتا ترامپ موجد آن است، شاید جامعه و کشورهای اروپایی با تحلیل شرایط، تشویق شوند، مسیری مستقل برای پیگیری منافع خود را جست‌وجو کنند، جریانی که در بلندمدت، چهره‌ای دیگر نیز از آنان در محیط بین‌الملل، باز تولید خواهد کرد.

سخن آن است، حکمرانی غیرمتعارف ترامپ، شکلی از «گسست» را بین آمریکا و اروپا زمینه‌سازی می‌کند، نادانسته یا دانسته! گسستی استراتژیک که طی آن، شاید کشورهای اروپایی، خواسته یا ناخواسته، به این باور رهنمون شوند که برای تأمین منافع آتی، ناگزیر باید جایگاه و نقش‌آفرینی متفاوتی نسبت به دهه‌های پیشین را برای ملت‌های خود ترسیم کنند. دامنه این گسست منطقا، به تحولات آینده و به‌خصوص به تصمیمات، مواضع و «ابتکارات» ترامپ بستگی خواهد داشت، این گسست به هر میزان که رخ دهد، در اروپا و به صورت خاص در چند کشور عمده اروپایی، فرصتی برای ایجاد «اصلاحاتی» در سیاست‌های پس از جنگ دوم جهانی و تحولات دهه‌های سپری‌شده فراهم خواهد آورد و بنابراین اگر رخ دهد، در وجوهی موقت نبوده، برگشت‌ناپذیر و ماندگار خواهد شد!

کوتاه دیپلماسی

بروشور اتحادیه اروپا به زبان فارسی

● **تسنیم:** اتحادیه اروپا در بروشوری درباره توافق هسته‌ای که آن را به زبان فارسی انتشار داد، با عنوان «فصل جدید در روابط ایران و اروپا»، به سخنان فدریکا موگرینی، نماینده ارشد اتحادیه اروپا و نایب‌رئیس کمیسیون اروپا در سفر ماه آوریل ۲۰۱۶ به تهران اشاره و از برنامه جامع اقدام مشترک به‌عنوان آغازی برای روابط دیپلماتیک بین اتحادیه اروپا و ایران نام برده شده است. در بخشی از این بروشور با عنوان «اتصال مجدد اقتصاد ایران و اروپا» آمده است: اتحادیه اروپا به‌عنوان یک قدرت اقتصادی جهانی بزرگ‌ترین بازار منفرد جهان را با بیش از ۵۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد. پیش از اعمال تحریم‌های هسته‌ای، اتحادیه اروپا با ۲۸ کشور عضو خود مهم‌ترین شریک تجاری ایران بود و با اتصال مجدد اقتصاد اتحادیه اروپا و ایران، رفاه و سعادت ایرانیان و اروپایی‌ها به‌طور یکسان افزایش خواهد یافت. همچنین تأکید شده است: اتحادیه اروپا و ایران درمورد همکاری به‌منظور مقابله با چالش‌های جهانی مانند تغییرات آب و هوا، مواد مخدر، مهاجرت و پناهندگی به توافق رسیدند.

جلال طالبانی به تهران می‌آید

● **ایسنا:** جلال طالبانی، رئیس‌جمهور سابق عراق و دبیر کل اتحادیه میهنی کردستان عراق، هفته آینده به تهران سفر می‌کند. به گزارش روو داو، در بیانیه‌ای که دبیرخانه این اتحادیه منتشر کرده، آمده است: جلال طالبانی، رئیس‌جمهور سابق عراق، در سفری چندروزه هفته آینده از سلیمانیه راهی تهران خواهد شد. در این بیانیه همچنین آمده است: این سفر دوستانه و به دعوت جمهوری اسلامی ایران و از پیش برنامه‌ریزی شده است.

مدارک ربوده‌شدن دیپلمات‌های ایرانی در سازمان ملل

● **ایسنا:** سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت مراسم سی‌وپنجمین سالگرد ربوده‌شدن چهار دیپلمات ایرانی را با حضور خانواده‌های ربوده‌شدگان برگزار کرد. در این مراسم محمد فتحعلی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در لبنان، گفت: جمهوری اسلامی ایران مسئولیت ربوده‌شدن دیپلمات‌های ایرانی را به عهده رژیم صهیونیستی می‌گذارد و ما به کمک دولت لبنان توانستیم در سازمان ملل مدارکی را به ثبت برسانیم که جنایت ربوده‌شدن دیپلمات‌های ایرانی در «حاجز برباره» در سال ۱۹۸۲ را اثبات می‌کند. همچنین کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس هفته جاری میزبان خانواده‌های دیپلمات‌های ربوده‌شده ایرانی خواهد بود و همچنین سه‌شنبه این هفته جلسه مشترکی با وزیر خارجه برگزار می‌کند.

عمار حکیم:

برادران ما در عربستان بهتر است بر سر میز گفت‌وگو با ایران بنشینند

● **ایسنا:** رئیس ائتلاف ملی عراق با بیان اینکه تهران و ریاض برای حل اختلافات خود باید بر سر میز مذاکره بنشینند، گفت: عراق می‌تواند در نزدیک‌کردن دیدگاه‌های ایران و عربستان نقش مثبت ایفا کند. سیدعمار حکیم، رئیس ائتلاف ملی عراق، توسعه روابط منطقه‌ای و بین‌المللی عراق را از برنامه‌های دولت این کشور در دوران پساداعش خواند و گفت: ایجاد اطمینان در کشورهای منطقه برای کاستن نگرانی‌ها از برنامه ملی در عراق است که به نوبه خود در کاستن فشارها بر عراق و بازنگشتن دوباره داعش و تعرض به مردم عراق و امنیت این کشور سهم بسزایی دارد. او در گفت‌وگو با خبرگزاری صداوسیما درباره اختلافات کشورهای منطقه درباره سوریه و تروریسم اظهار کرد: عراق طرحی را به نشست مشترک پنج کشور بزرگ منطقه یعنی ایران، عربستان، ترکیه، مصر و عراق ارائه کرد، زیرا ما معتقدیم اختلافات میان کشورهای منطقه عامل و بهانه‌ای برای حضور نیروهای خارجی در منطقه خواهد شد. حکیم در ادامه درباره تبلیغات بی‌اساس هلال شیعی در منطقه گفت: ما می‌گوییم ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و برانگیختن ترس درباره